

ارزیابی شاخصه‌های مسکن تاریخی از دیدگاه سبک معماری ایرانی - اسلامی در راستای تحول‌پذیری سبک معماری نوین

(مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر گرگان)

سعید ملکی¹، مصطفی آریان‌کیا²

چکیده

با فراموش شدن الگوی معماری ایرانی در مسکن معاصر، رنگ اسلامی بودن از مسکن ایرانی زوده شده است؛ از این رو برخی ساخت‌وسازها از الگوی سنتی مسکن ایرانی که آمیخته با فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی بوده است، فاصله گرفته‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل خانه‌های بافت تاریخی شهر گرگان براساس دیدگاه سبک معماری ایرانی - اسلامی و اثرگذاری تحولات سبک معماری مدرن بر معماری ایرانی است. نوع پژوهش کاربردی - تطبیقی و روش بررسی آن، تفسیری - تاریخی است. جامعه آماری پژوهش، شامل واحدهای مسکونی واقع در بافت تاریخی شهر گرگان می‌شود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران 322 محاسبه شده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده اقدام به توزیع پرسش‌نامه‌ها شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل آمارها از نرم‌افزارهای آماری SPSS، Excel و آزمون‌های آماری T تک‌نمونه‌ای و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد شاخص‌های وضعیت اشراف و دیدداشتن با میزان ضریب 0/357، آسایش زندگی با

1. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گلستان، گرگان (نویسنده مسئول) / Mostafaariankia@gmail.com

ضریب 0/483، محرمیت با ضریب 0/297 و شاخص وضعیت امنیت تردد زنان و کودکان با میزان ضریب 0/142 در ارتباط با وضعیت سکونت ساکنان در خانه‌ها و بافت تاریخی شهر گرگان، بیانگر رابطه معنادار و مستقیم است. همچنین نتایج حاصل از آزمون T تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد در سطح 95 درصد بین میزان رضایت‌مندی ساکنان از زندگی در بافت تاریخی با وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات، حس تعلق به مکان، مؤلفه‌های زیست‌محیطی، متغیر سرزندگی و روابط همسایگی، رابطه معنادار و تأثیرگذاری وجود دارد.

واژگان کلیدی: مسکن، معماری ایرانی - اسلامی، بافت تاریخی، گرگان.



۱. مقدمه و بیان مسئله

گسترش شهرها و شهرنشینی که در نتیجه انقلاب صنعتی و تحولات پس از آن پدید آمد، هر روز سرعت بیشتری یافته و فرایند شهرنشینی مدرن الگوی اجتماعی متفاوتی را از نظر مسکن و خانه‌سازی، پیش روی انسان مدرن و انسان معاصر قرار داده است (بمانیان و همکاران، 1392: 90). در این میان، شهر تحت تأثیر تحولات تاریخی و ایدئولوژیکی، تغییرات بسیاری به خود دیده است و در اثر تحولات مدرنیته، تغییر فزاینده‌ای یافته است؛ به گونه‌ای که بسیاری از عناصر و اجزای شهر کهن در آن رنگ باخته‌اند (زنگانه و همکاران، 1391: 38). شهرهای جهان اسلام نیز به نوبه خود تحت تأثیر جهانی شدن بوده‌اند، به طوری که هریک از اعضای این جهان به نوعی از این تحولات بی‌نصیب نمانده و گاه توانسته‌اند خود را با این تحولات سازگار و مراحل ترقی را طی کنند و گاه نتوانسته‌اند با این تحولات کنار بیایند و خطر مغلوب شدن در این موج آن را تهدید می‌کند (شمس و همکاران، 1394: 120). گسترش شدید فقر و فاصله طبقاتی و نابرابری، تبعیض فضایی و شهر تقسیم‌شده، زاغه‌نشینی، تغییرات اقلیمی و غیره، تنها بخشی کوچک از نشانه‌های این زوال به شمار می‌آیند (محمدیان مصمم و همکاران، 1395: 58).

مسکن به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان برای زندگی (سرکن دیزجی و زمزمی، 1394: 2) و یکی از پدیده‌های واقعی و دومین نیاز بشر پس از غذا، از مسائلی است که بشر همواره با آن دست‌به‌گریبان بوده و همواره برای دگرگونی و یافتن پاسخی مناسب، معقول و اندیشیده برای آن می‌کوشد (قنبری، 1390: 34). از سوی دیگر، بخش بزرگی از ساخت‌وسازهای درون‌شهری مربوط به این نوع کاربری است. به همین دلیل رویکرد انتخاب‌شده برای طراحی آن بر کل شهر اثر گذاشته و جنبه اجتماعی بارزتری دارد (سجادیان و ملکی، 1395: 83). مسکن که در ابتدا تنها سرپناهی برای حفظ انسان از گرما و سرما بود، به تدریج با شکل‌گیری فرهنگ‌ها و عقاید مختلف، بیانگر جهان‌بینی ملت‌های مختلف شد؛ به طوری که با مطالعه دقیق معماری هر دوره می‌توان از جزئی‌ترین عقاید اقوام آگاهی یافت. ایرانیان نیز با الهام از مبانی جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ سنتی ایرانی، محیط ایدئالی را برای زندگی فراهم کردند (سیروسی و الهی‌زاده، 1393: 36).

وارد شدن اسلام به ایران در زمان ساسانیان و آمیختن با هنرهای شهرسازی و معماری این دوره و دوره‌های پیشین، سبک‌های کالبدی معماری نوینی را در تاریخ شهرسازی ایران به وجود آورد (صفاران، 1389: 11). اندیشه و آموزه‌های اسلامی درباره مسکن ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که می‌تواند سبب دستیابی به حیات طیبه و کمال مطلوب در فضاهای زیستی بشر و موقعیت مالی و معنوی شهروندان شود (حیاتی و همکاران، 1394: 48). مسکن در اسلام، مرکز آموزش پاکدامنی و زمینه‌ساز جامعه‌ای عاری از فساد و گناه است. از نظر قرآن، مناسب‌ترین سکونت‌گاه برای انسان مکانی است که با نیازهای وجودی وی سازگاری داشته باشد و زمینه را برای دستیابی به رشد و تعالی فرد فراهم آورد؛ درحالی‌که این عوامل در مسکن معاصر به فراموشی سپرده شده و رنگ اسلامی بودن از مسکن ایرانی پاک شده است و ساخت‌وسازها از الگوی سنتی مسکن ایرانی که آمیخته با فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی بوده است، فاصله گرفته‌اند (طباطبایی ملاذی و پورمند، 1394: 3).

بی‌توجهی به انسان، شیوه کار و زندگی، خواسته‌ها و تجارب او در طراحی مسکن امروزی و روی آوردن به معماری وارداتی، آثاری همچون پایین آمدن کیفیت زندگی مسکونی، از بین رفتن حیات، سرزندگی، تحرک، بحران مسکن و همچنین بحران حس تعلق و هویت را به همراه داشته است (عسگری رابری و همکاران، 1394: 178).

با توجه به اهمیت و نقش مسکن در زندگی مادی و معنوی ساکنان، پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی شاخصه‌ها و ویژگی‌های مسکن بومی بافت تاریخی شهر گرگان براساس دیدگاه سبک معماری ایرانی - اسلامی با توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام و دیدگاه قرآن کریم می‌پردازد تا علاوه بر شناخت شاخص‌ها و ویژگی‌های مسکن بومی، اثرگذاری تحولات سبک معماری مدرن بر معماری ایرانی - اسلامی ارزیابی شود.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی شاخصه‌های مسکن تاریخی در بافت تاریخی شهر گرگان براساس دیدگاه سبک معماری ایرانی - اسلامی با توجه به آموزه‌های اسلام و دیدگاه قرآن کریم است. در این ارتباط اهداف فرعی پژوهش عبارتند از:

1. بررسی وضعیت شاخص‌های مورد تأکید تعالیم اسلامی در ساختار کالبدی خانه‌های بافت تاریخی شهر گرگان؛
2. ارزیابی نوع ارتباط همسایگان، آسایش و وضعیت رضایت ساکنان محله از زندگی در بافت تاریخی شهر گرگان؛
3. ارزیابی شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی و وضعیت زیست‌محیطی در محله تاریخی شهر گرگان.

پرسش اصلی پژوهش این است که ساختار خانه‌های تاریخی و بافت قدیم شهر گرگان براساس شاخص‌های سبک معماری ایرانی - اسلامی چگونه است؟ فرض محتمل در پاسخ بدین پرسش این است که به نظر می‌رسد ساختار بافت کالبدی محله‌های تاریخی شهر گرگان از الگوی سبک معماری اسلامی - ایرانی پیروی می‌کنند.

پیشینه پژوهش

آریان‌کیا و ملکی (1397)، در پژوهشی با عنوان «سنجش تطابق کالبدی - فضایی سکونت‌گاه‌های شهر گرگان مبتنی بر شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی» به بررسی وضعیت مسکن در این شهر از دیدگاه شاخص‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی پرداخته‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد با توجه به تحولات چند دهه اخیر، مسکن از سبک معماری سنتی و بومی فاصله گرفته‌اند و با تقلید از الگوی غربی و بیگانه با فرهنگ ایرانی - اسلامی، هویت گذشته خود را از دست داده است. همچنین در ارتباط با اشراف‌داشتن واحدهای مسکونی در همسایگی و همجواری یکدیگر و همخوانی واحد مسکونی با فرهنگ و سنت ساکنان، اصول معماری ایرانی رعایت نشده است که نارضایتی ساکنان را به همراه داشته است. محیط‌آرا و همکاران، (1395)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر نظم فضایی محله‌های شهرهای اسلامی - ایرانی؛ مورد مطالعه شهر قم»، با انتخاب هدفمند چهار نوع محله یا سکونت‌گاه با مختصات زمانی - مکانی تشکیل شده و شرایط کالبدی متفاوت در شهر قم، به بررسی و مقایسه آن‌ها از نظر شاخص‌های نظم فضایی و میزان پایداری پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شاخص‌های پایداری فضایی - کالبدی محله‌ای سنتی همچون «چهارمردان»، با محله‌های مدرن همچون «پردیسان» دارای تفاوت معناداری است.

پوراحمد و همکاران، (1395)، در پژوهشی با استفاده از شاخص‌هایی چون حس امنیت، حد و حریم، توازن، ارتباط با طبیعت و قانون‌مندی، به ارائه الگویی برای نوسازی بافت تاریخی بیرجند با رویکرد ایرانی - اسلامی پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف بافت تاریخی بیرجند مربوط به عواملی است که از هویت تاریخی آن ریشه می‌گیرد و مهم‌ترین اولویت‌ها مربوط به هویت تاریخی آن است که لزوم نوسازی با رویکردی مبتنی بر شهر ایرانی - اسلامی در بافت تاریخی بیرجند را ضروری می‌نماید. مهوش و سعدوندی (1394)، در پژوهشی به معرفی مختصر شاخص‌سازی و نیز آسیب‌شناسی شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی پرداخته‌اند. براساس این پژوهش، بسیاری از نواقص به نشناختن مشخصه‌ها و ویژگی‌های شاخص از جمله غیرمفیدبودن، فقدان جامعیت، بررسی نکردن اعتبار و پایایی شاخص‌ها و نیز رعایت نکردن کامل فرایند شاخص‌سازی از جمله وزندهی آن‌ها برمی‌شود.

مشکینی و رضایی‌مقدم (1393)، در پژوهشی به شناسایی ارزش‌هایی می‌پردازند که بتوانند با ظهور در مجتمعی اسلامی، هویت شهر را نمایش دهند. نتایج نشان می‌دهد به‌رغم وجود اصول و ارزش‌های تأثیرگذار که می‌تواند در ساخت محیط، خود را نمایان سازد، اجرای این اصول و ارزش‌ها نیازمند کار فرهنگی درازمدتی است تا استحاله حاکم بر شهرها و شهرسازی را منطبق با این اصول راهنمایی کند. هدایت و طبائیان (1391)، در پژوهشی به بررسی عناصر شکل‌دهنده و دلایل وجودی آن‌ها در خانه‌های بافت تاریخی بوشهر پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی، فعالیتی و معنایی گونه‌های فضایی مختلف خانه‌های سنتی بوشهر، در قالب فضاهای اصلی و ثبت عناصر و عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری آن‌ها در قالب جداول، تصاویر و نقشه‌هاست. فضاها و عناصری که رابطه‌ای دوستانه با محیط‌زیست داشته و به شیوه زندگی، شرایط فرهنگی و اقتصادی مردمان این ناحیه توجه کرده است.

وجه متمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در بافت تاریخی شهر گرگان، در نوع شاخص‌های به‌کاررفته در بررسی و ارزیابی بافت کالبدی شهر است که می‌تواند راهبردی برای شناسایی راهکارهای هویت‌یابی الگوی معماری اسلامی - ایرانی در ساخت‌وسازهای شهری و بافت کالبدی مسکن شهری باشد.

مبانی نظری

زندگی و رفتارهای اجتماعی انسان‌ها تابع فرهنگی است که در آن‌زاده شده و پروریده‌اند (منصوری، 1389: 38). مسکن انسان نیز صرف‌نظر از ابعاد فیزیکی و ضوابط طبیعی و اقلیمی، تحت تأثیر عوامل فرهنگی جامعه، باورها و الزام‌های فرامادی زندگی قرار دارد که سکونت انسان را معنا می‌بخشد (انصاری و همکاران، 1394: 3). امروزه بحث پیرامون بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی در معماری معاصر کشور در سطح وسیعی گسترش یافته است. موضوع مسکن که تمام اقدار جامعه به نوعی با آن در ارتباطند، بزرگ‌ترین سهم را در این زمینه داراست (سادات و ضرغامی 1395: 60).

از دیدگاه مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم الگوی بومی پیشرفت، سازگاری اسلام با پیشرفت و معرفی اسلام به‌عنوان مبانی پیشرفت و تفاوت مفهوم پیشرفت با توسعه مورد توجه است. در این دیدگاه بروز شکاف طبقاتی، تحمیل حاکمیت، انحطاط اخلاقی، دوری از معنویت، نبود امنیت اخلاقی و اجتماعی، نظام‌های اجتماعی ناموفق، نبود عدالت اجتماعی، نبود آزادی بیان واقعی و مردم‌سالاری واقعی از پیامدهای الگوی غربی توسعه هستند (باوری و همکاران، 1389). الگوی شهرهای کهن ایرانی - اسلامی در گذشته با اتکا بر دو عامل اساسی شکل گرفته است. در جایگاه نخست، اسلام به‌عنوان دین نظام‌یافته اجتماعی، فرهنگی، ارزشی و تعالی‌بخش انسان‌ها و در جایگاه بُعد معماری ایرانی به منزله تجلی‌گاه کالبد فرهنگ ایرانی در ساختارهای فیزیکی قرار دارد. این شهرها با توجه به کارایی اقتصادی، پویایی اجتماعی و تعالی فرهنگی در کنار آسیب‌های اندک زیست‌محیطی تا حدودی شکل شهر پایدار توسعه‌یافته را ارتقا داده‌اند (یزدگرد، 1390).

از سویی در الگوی شهر ایرانی - اسلامی، شهر ذیل نظام اسلامی و بستر ایرانی قرار دارد همچنین باید توجه داشت انسان از شهر جدا نیست و بنابراین تعاریف این دو نیز از هم جدا نیست؛ در واقع شهر با ساکنانش هماهنگ است. استمرار الگوی کالبدی شهرهای پیش از اسلام در سده‌های نخستین اسلامی هرگز به منزله تداوم نظام اجتماعی عصر باستان در دوره اسلامی نبود، بلکه عناصر اصلی شکل شهر ایرانی براساس وضعیت جدید اجتماعی که برخاسته از ظهور اسلام در ایران بود، سامان‌دهی و سامان‌یابی دوباره یافت (یوسفی‌فر و محمدی، 1388: 180). در شهر ایرانی - اسلامی توحید جای تکثر، دین جای ایدئولوژی انسانی و سکنی‌گزینی جای شتاب را می‌گیرد. راهکار رسیدن به الگوی ایرانی - اسلامی از شهر، بازگشت به تفکر قدسی است که از طریق استراتژی

سلسله‌مراتبی تصمیم‌گیری از عقل، فکر قلب و حس و بدن به دست می‌آید و کسب می‌شود (غلامی بيمرغ، 1391: 9).

معماری ایرانی - اسلامی

معماری ایرانی که یکی از غنی‌ترین نمونه‌های معماری بومی با دستاوردهای فرمی و نیارشی قابل بیان در جهان است، در گذر از دوران اسلامی به یکی از نمونه‌های موفق معماری مفهومی، معناگرا و عرفانی بدل شد. در عین حال تأثیر کالبد و فرم معماری به‌عنوان ظرف مکانی که معلولی از فرهنگ جامعه است، در بازنمایی این مفاهیم و معانی تأثیر بسزایی دارد (نظیف، 1392: 58). معماری دوران اسلامی ایران مانند معماری اسلامی دیگر نقاط جهان، دارای زیربنای فکری و عملی اسلامی است و تنها اسلوب و روش متفاوت و منحصر به فرد آن در معماری است که موجب تفاوت در صورت یا فرم ابنیه آن نسبت به سایر ممالک اسلامی است. معماران و هنرمندان ایرانی با در دست داشتن مهارت‌ها و فنون معماری از دوران پیش از اسلام و با ترکیب و استفاده از احکام و دستورات اسلامی، دست به کارآفرینش سبک و سیاق تازه‌ای در معماری ایرانی شدند (فلامکی، 1371: 294). شکوه و زیبایی معماری ایران در دوره اسلامی بیشتر مدیون تزئینات، آرایش‌ها و صورت‌های خاص آن است. معماری ایران در دوره اسلامی علاوه بر زیبایی ظاهر، باطنی عمیق نیز دارد. در معماری اسلامی ایران، فضاها بر حسب کارکردشان ساخته می‌شوند و از همین رو از ساختن هر چیز بیهوده و غیرمفید به شدت پرهیز شده است. معماری دوران اسلامی ایران به دو زیربخش عمده بناهای مذهبی و بناهای غیرمذهبی تقسیم می‌شود. این دو گروه نیز خود تحت تأثیر یکی از سبک‌ها و شیوه‌های معماری ایرانی بنا شده‌اند. عمده این سبک‌ها عبارتند از: سبک خراسانی، سبک رازی، سبک آذری، و سبک اصفهان (خواجه جهرمی، 1392: 14).

با بررسی معماری ایرانی درمی‌یابیم که نمادهای ارزش‌های فرهنگی هر جامعه به‌ویژه جامعه ایرانی، در ساخت محیط مسکونی پیرامون او تجلی یافته و این ساخت، بیانگر هویت و ارزش‌های فرهنگی و باورهای هر جامعه است؛ به‌گونه‌ای که معماری ایرانی همچون فرهنگ جامعه ایرانی، درون‌پذیرنده و القاکننده احساس تعلق خاطر، پیوستگی ترکیب و انسجام متعادل و تناسب ابعاد با کارکردهاست (ایرانمنش و همکاران، 1394: 348). در این میان، آموزه‌های اسلامی درباره معماری

مسکن، ضوابط و معیارهایی را مطرح می‌کند که مسکن و انسان را در توده‌های انسانی و مجموعه‌های ساختمانی تشریح می‌کند (حیاتی و همکاران، 1394: 47). آموزه‌های اسلامی می‌کوشند مسکن مطلوبی ارائه دهند که بیشترین تطابق را با فطرت الهی انسان داشته باشد که همانا میل و گرایش به حقیقت، عروج به کمال، تمایل به خلاقیت، میل به خیر و دستیابی به فضیلت و اشتیاق بی‌پایانش به زیبایی دنیوی از یک سو، و عشق روحانی و نیاز به پرستش از سوی دیگر است (سجادیان و ملکی، 1395: 105). مسکن مسلمان براساس نیازهایش دارای دو بُعد است: بعدی به سمت نیازهای معنوی و بعد دیگر به سمت نیازهای مادی حرکت می‌کند. مسکن اسلامی که فراتر از واقعیتی عینی است، با فطرت آدمی ارتباط دارد و پاسخ‌گوی نیازهای اساسی مادی و معنوی است. به عبارت دیگر اصل، رسیدن به کمال مطلوب الهی است که در نهاد انسان‌ها وجود دارد، معمار و سازنده بنا در ساخت مسکن هدفی جز پرستش نداشته و این اشاره‌ای به آن است که معمار مسلمان ساخت را امری آیینی می‌داند (سوره بقره، آیه 127). در حقیقت اگر هدف از ساخت مسکن ارتقا و کمال انسانی به سمت خدا باشد، پروردگاز نیز در این امر او را رهبری می‌کند (سوره حج، آیه 26).

خانه فارغ از ظواهر و پیرایه‌های آن، نعمتی الهی است که باید انسان را به ذکر الهی سوق دهد (اعراف: 74). خانه خود وسیله بوده و هدف محسوب نمی‌شود. اگر مسکن سبب دوری از یاد خدا و جایگاه انسانی باشد، از ارزشی برخوردار نیست (توبه: 24؛ قصص: 58). حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «اعلموا عبادالله انَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجَلِ الْآخِرَةِ فَشَارَ كُؤَا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يُشَارِكِهِمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ: آگاه باشید ای بندگان خدا، پرهیزگاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند؛ با مردم دنیا در آخرت آن‌ها شرکت نکردند. پرهیزگاران در بهترین وجه در خانه‌های دنیا سکونت کردند (نهج البلاغه، فراز دوم، نامه 27: حیاتی و همکاران، 1394: 49).

معمار مسلمان با بهره‌گیری از هویت دینی و اعتقادی که محدود به زمان و مکان خاص نیست، فضایی را خلق می‌کند که بازتاب اندیشه‌های خویش باشد و به نیازهای درونی افرادی که در آنجا زندگی می‌کنند، توجه کند (اخوت، 1390: 67). بر این اساس، اسلام ویژگی‌های منحصر به فردی از خانه خوب و در شأن انسان مسلمان تبیین می‌کند که توجه به هر یک تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی اوست. با بررسی معماری سنتی مسکونی ایران می‌توان بسیاری از این ویژگی‌ها را یافت

(سیروسی و الهی‌زاده، 1393: 37). براساس ارزش‌های معماری اسلامی برخاسته از آیات قرآن و احادیث ائمه، می‌توان موارد زیر را برای یک خانه ایرانی بیان کرد که در معماری نمودی داشته باشد:

1. خانه مرکز انس و حرم خانواده

خانه مسلمانان با حیاط داخلی محصورش و از چهار جانب و یا باغ محصورش که در آن چاهی یا چشمه‌ای هست، باید مشابه این جهان باشد. خانه، حرم خانواده است و قلمرو حکمروایی زن که مرد در آن قلمرو، میهمانی بیش نیست. خانه اسلامی، به روی دنیای خارج کاملاً بسته است؛ بدین‌گونه زندگی خانوادگی از حیات مشترک جدا شده و تنها بالای آن به سوی آسمان باز است که آسمان از آن طریق، در پایین، در چشمه آب حیاط انعکاس می‌یابد (حیاتی و همکاران، 1394؛ به نقل از بورکهارت، 1376).

2. ارتباط با طبیعت

در معماری سنتی ایران همزیستی مسالمت‌آمیزی میان انسان، معماری و طبیعت وجود داشته است. طبیعت در معماری ایران حضوری همه‌جانبه دارد، فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و احکام دینی همواره هماهنگ با آهنگ طبیعت در حرکت بوده و همجواری و همدلی انسان با طبیعت موجب شده که عناصر طبیعت به گونه‌های مختلف در معماری اصیل ایرانی - اسلامی حضور داشته و انسان را از فواید تصفیه‌کننده آن بهره‌مند گرداند (خسروجردی و محمودی، 1393: 7).

3. درون‌گرایی

یکی از باورهای مردم ایران ارزش‌نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر معماری ایران را درون‌گرا ساخته است. در پاسخ به برخی معیارهای مطرح‌شده در مورد مسکن مطلوب همچون محرمیت و خلوت و ارتباط با طبیعت، یکی از مهم‌ترین ابزارها و شیوه‌های تحصیل و تأمین رعایت درون‌گرایی است. این اصل برگرفته از عناصر تاریخی معماری ایران است که بیشتر عناصر شهری و معماری مظهر آن بوده‌اند (ایرانمنش و محقق، 1394: 6). اصل بر این بوده است که در حد امکان «حجاب» در ساخت مسکن رعایت شود و ساکنان از مطلوبیت هوا و محیط مناسب برخوردار باشند؛ برای نمونه بیشتر منازل قدیمی در شیراز در وسط حیاط حوض داشتند و پاشویه و درخت و

ماهی. موضوع قابل اهمیت، طرح درون‌گرایی خانه‌هاست. واژه درون‌گرایی پیش از اینکه رنگ معماری به خود بگیرد از دیدگاه اخلاقی و عرفانی نیز دربرگیرنده معانی و مفاهیمی ارزشی و هنجاری است (منصوری، 1389: 42).

4. امنیت در مسکن

وجود امنیت نیز یکی از شاخص‌های مهم کیفیت مسکن است. در واقع، امنیت حفاظت از مسکن و وسایل آن در مقابل عوامل مستقیم و غیرمستقیمی است که موجب ضرر رساندن به مسکن و ناامنی آن می‌شود (اکبری و همکاران، 1392: 24). ویژگی‌های معماری مسکن مطلوب باید به گونه‌ای باشد که درجه‌های مختلف امنیت را برای ساکنان فراهم آورد. در جامعه اسلامی، امنیت روانی و امنیت فرهنگی از بارزترین وجوه امنیت انسان هستند (حسین‌زاده و همکاران، 1392: 5). امنیت می‌تواند در سلسله‌مراتبی از فضای خصوصی خانه تا فضای عمومی بازار و میدان مطرح باشد. از مصادیقی که موجب ارتقای امنیت در فضاهای شهری سنتی می‌شد، اختلاط کاربری‌های شهری بود. این مهم را می‌توان در ورودی‌های شهر و سایر فضاهای عمومی مشاهده کرد. وجود پیرنشین در محله‌ها، یکی دیگر از عوامل ارتقای امنیت شهر سنتی است. در شهرهای عصر صفویه توجه به امنیت و حریمیت تا آنجا مشهود است که ابزاری که برای کوبیدن درب به کار می‌رفته است متمایز از مردان، و صدای تولیدشده از آن‌ها نیز متفاوت از یکدیگر بوده است (هاشمی و میرغلامی، 1390: 103).

5. حیاط مرکزی

در شکل‌گیری خانه‌های درون‌گرا حیاط نقش بسیار مهمی داشته است. حیاط افزون بر ایجاد وحدت بین عناصر، نوعی ارتباط پیمایشی میان آن‌ها ایجاد می‌کند. این ارتباط یا از روی ورودی ساختمان به مقصد دیگر فضاهای پراکنده مثل انبار و آغل و غیره در حیاط صورت می‌گیرد یا با استقرار محوطه اصلی تابستان در جبهه‌های مختلف، ارتباط‌دهنده بخش‌های اصلی خانه است (احمدی و همکاران، 1392: 3). در خانه‌های بافت قدیم گرگان حیاط مرکزی با بالاترین کیفیت طراحی شده است که علاوه بر نقش اقلیمی، با فرهنگ مردمان این ناحیه نیز آمیخته است. با ورود به خانه‌های سنتی گرگان درمی‌یابیم که حیاط مرکزی در خانه‌های قدیمی فضایی متفاوت با حیاط در نواحی مرکزی ایران مانند یزد، کاشان و غیره دارد. بخش عمده این تفاوت در ابعاد، ارتفاع جداره کناری و موقعیت نسبت

به گذر است. به‌طور کلی می‌توان حیاط مرکزی در گرگان را چنین توصیف کرد: هسته مرکزی خانه، فضایی با نظم هندسی، درون‌گرا، مستقل، محوری و مرکزی، سرگشوده و رو به آسمان که ابعاد آن تابع اندازه زمین و متناسب با تعداد و نوع اتاق‌هاست (سمیعی و همکاران، 1395: 7).

روش پژوهش

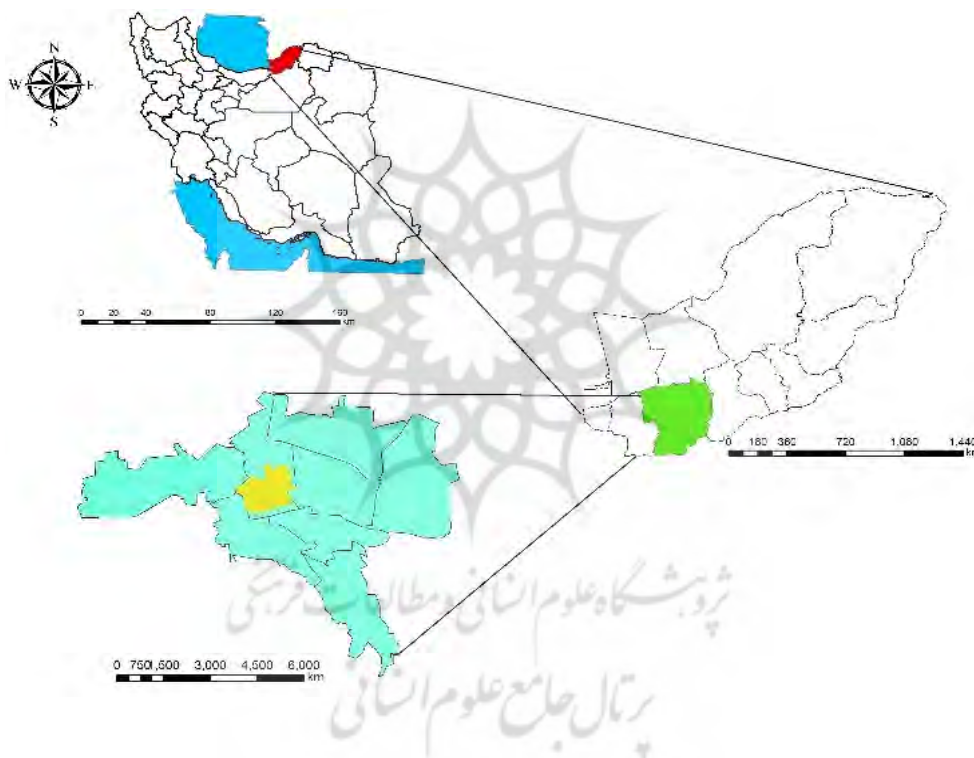
پژوهش حاضر از نوع کاربردی - تطبیقی و روش پژوهش، تفسیری - تاریخی است. هدف از مطالعه حاضر، ارزیابی شاخصه‌ها و ویژگی‌های مسکن بومی و بررسی و تحلیل خانه‌های بافت تاریخی شهر گرگان براساس دیدگاه سبک معماری ایرانی - اسلامی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر، از دو روش کتابخانه‌ای - اسنادی، تحلیل محتوا و روش میدانی در انجام پژوهش استفاده شده است. ابزار مورد استفاده در شیوه میدانی، پرسش‌نامه محقق‌ساخت است. برای بررسی روایی پرسش‌نامه‌ها از نظرات نخبگان، اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران و به منظور سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ها از آزمون آلفای کرونباخ با مقدار به دست آمده 0/78 استفاده شده است. شاخص‌های مورد نظر در پژوهش حاضر شامل امنیت زنان و کودکان، عدم اشراف و دیدداشتن واحدهای مسکونی، حس تعلق به مکان، ارتباط با همسایگان، شاخص‌های اجتماعی، شاخص‌های فرهنگی، وضعیت زیست‌محیطی مسکن، حریمیت، آسایش و رضایت ساکنان است. جامعه آماری پژوهش واحدهای مسکونی واقع در بافت تاریخی شهر گرگان است که حجم نمونه براساس فرمول کوکران، 322 نمونه به دست آمد و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده اقدام به توزیع پرسش‌نامه‌ها شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل فضایی آمارها از نرم‌افزارهای آماری SPSS، Excel و آزمون آماری T تک‌نمونه‌ای و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

محدوده مطالعه

مساحت شهر گرگان با احتساب حوزه نفوذ شهرستان، 1651/81 کیلومتر مربع واقع در استان گلستان است. ارتفاع متوسط آن از سطح دریا 155 متر است. این شهر در 54 درجه و 24 دقیقه تا 54 درجه و 28 دقیقه طول شرقی و 36 درجه و 24 دقیقه تا 36 درجه و 49 دقیقه عرض شمالی واقع شده است (سالنامه آماری استان گلستان، 1394). بافت قدیمی به‌جامانده در گرگان اغلب متعلق به دوران زندگی و به‌ویژه وابسته به سبک قاجار است (سمیعی و همکاران، 1393: 3) که در 24 شهریور 1310

خورشیدی به شماره 41 در فهرست میراث ملی ایران به ثبت رسیده است (دهداری، 1395: 6). محله سرچشمه یکی از محله‌های قدیمی و تاریخی گرگان است که از نظر ترکیب جمعیتی بیشتر ساکنان آن فارس و دارای سابقه سکونت طولانی هستند. موقعیت مکانی این محله قدیمی، حد فاصل میدان شهرداری و چهارراه میدان است و بازار نعلبندان و خیابان امام خمینی به‌عنوان دو قطب فعال اجتماعی و اقتصادی در کنار این محله قرار گرفته است (رضوانی و همکاران، 1396: 29).

شکل شماره 1. موقعیت جغرافیایی محدوده بافت قدیم شهر گرگان



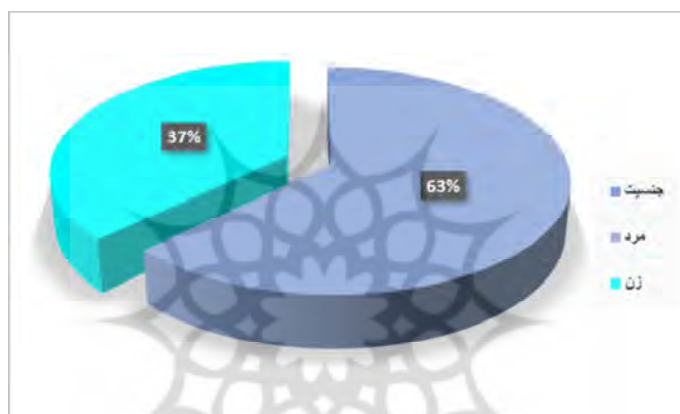
یافته‌های پژوهش

در راستای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی پرداخته شده است. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه، 37/3 درصد کل جامعه نمونه پژوهش را زنان و 62/7 درصد آن را مردان تشکیل داده‌اند. نتایج حاصل از متغیر گروه سنی جامعه آماری پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین گروه سنی متعلق به افرادی با گروه سنی 45-49 سال با میزان 25/77 درصد و کمترین آن به گروه سنی 15-19 سال با

ارزیابی شاخصه‌های مسکن تاریخی از دیدگاه سبک معماری ایرانی - اسلامی در راستای تحول‌پذیری سبک معماری نوین (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر گرگان)

میزان 1/24 درصد از کل نمونه مورد مطالعه اختصاص دارد. در بررسی نتایج حاصل از وضعیت متغیر تراکم خانوار در کل جامعه نمونه پژوهش نشان می‌دهد خانواده‌های با جمعیت پنج‌نفره با 21/9 درصد بیشترین فراوانی و خانواده‌های دونفره با 0/9 درصد کمترین فراوانی از کل جامعه نمونه را تشکیل می‌دهند. نمودار شماره 2 وضعیت فراوانی جنسیت و نمودار شماره 3 وضعیت فراوانی گروه سنی پاسخ‌گویان جامعه آماری پژوهش را نشان می‌دهد.

شکل شماره 2. توزیع فراوانی وضعیت جنسیت پاسخ‌گویان



شکل شماره 3. توزیع فراوانی وضعیت سنی پاسخ‌گویان



1. وضعیت اشراف و دیدداشتن مسکن

همجواری آپارتمان در کنار خانه‌های ویلایی و اشراف خانه‌ها از داخل و بیرون از جمله معضله‌های

معماری سبک نوین و غربی است که سبب بروز مشکلات فراوانی در زندگی ساکنان شده است. مفهوم عدم اشراف خانه‌ها بی‌تردید برخاسته از ارزش‌ها و باورهای دینی و فرهنگ اسلامی - ایرانی است که یکی از ویژگی‌های بارز معماری سنتی ایران به شمار می‌رود. جدول شماره 1 نتایج حاصل از بررسی میزان رضایت ساکنان از وضعیت اشراف و دیدداشتن خانه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره 1. ضریب همبستگی بین میزان رضایت ساکنان از وضعیت اشراف و دیدداشتن مسکن

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد نمونه
رضایت ساکنان از عدم اشراف و دیدداشتن مساکن	0/357**	0/000**	322

** معنی داری 99 درصد

براساس نتایج، میزان ضریب همبستگی میان رضایت ساکنان از وضعیت اشراف و دیدداشتن سکونت‌گاه‌های خود 0/357 است که با توجه به سطح معناداری صفر نشان می‌دهد رابطه معناداری در سطح 99 درصد اطمینان همبستگی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن میزان ارزشی پیرسون همبستگی مستقیم و فزاینده است. در واقع هرچه مسکن از اشراف و دیدداشتن کمتری برخوردار باشد، رضایت ساکنان نیز بیشتر خواهد شد. با توجه به مقدار آماره به دست آمده، میان عدم اشراف و دیدداشتن خانه و رضایت ساکنان، رابطه معنادار وجود دارد.

2. وضعیت آسایش مسکن

در اسلام تأکید فراوانی بر مطلوبیت شرایط زیست در خانه و سکونت‌گاه‌های انسانی شده است و از خانه به عنوان مکانی امن و محیطی آرامش‌بخش برای ساکنان یاد شده است. در الگوی معماری ایرانی - اسلامی نیز با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام و معماری بومی برخاسته از فرهنگ سنتی سعی بر ایجاد محیطی امن و آرامش برای ساکنان شده است. در پژوهش حاضر به ارزیابی و بررسی وضعیت آسایش و راحتی زندگی در خانه‌های سنتی بافت تاریخی شهر گرگان به عنوان یکی از شاخص‌های مورد نظر پژوهش پرداخته شده است. جدول شماره 2، نتایج حاصل از میزان رضایت ساکنان از وضعیت آسایش مسکن تحت تصرف را نشان می‌دهد.

جدول شماره 2. ضریب همبستگی بین میزان رضایت ساکنان از وضعیت آسایش مسکن

ارزیابی شاخصه‌های مسکن تاریخی از دیدگاه سبک معماری ایرانی - اسلامی در راستای تحول‌پذیری سبک معماری نوین (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر گرگان)

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد نمونه
رضایت ساکنان از وضعیت آسایش زندگی در مساکن	0/483**	0/000**	322

** معنی داری 99 درصد

با توجه به نتایج، میزان ضریب همبستگی بین رضایت ساکنان از وضعیت آسایش زندگی در سکونت‌گاه‌های خود 0/483 است که با توجه به سطح معناداری صفر بیانگر رابطه معناداری در سطح 99 درصد اطمینان همبستگی است. با توجه به مثبت بودن میزان ارزشی پیرسون، همبستگی مستقیم و فزاینده است. در واقع هرچه شاخص‌ها و اصول آسایش در ساخت خانه‌ها بیشتر رعایت شود، ساکنان رضایت بیشتری خواهند داشت. با توجه به مقدار آماره به دست آمده، میان وضعیت آسایش خانه‌ها و رضایت ساکنان، رابطه معنادار وجود دارد. تأکید بر حریم خصوصی، خلوت‌گزینی، رعایت آسایش فردی، دیدنداشتن به درون خانه، استفاده از فضاهای نیمه‌باز مانند ایوان، وجود بخش‌های اندرونی و بیرونی در خانه‌های اعیانی در بافت تاریخی گرگان، چیدمان اتاق‌ها همگی گواه این اصل هستند که در معماری بناهای بافت تاریخی شهر گرگان، اصل حریمیت و اشرف‌نداشتن مساکن رعایت شده است و این امر به افزایش رضایت ساکنان از زندگی در این خانه‌ها انجامیده است؛ در صورتی که بررسی رضایت‌مندی ساکنان آپارتمان‌های با سبک معماری مدرن و غیربومی، نشانگر نارضایتی ناشی از اشرف و دیدداشتن درون ساختمان‌هاست.

3. حریمیت و درون‌گرایی در ساخت مسکن

رعایت حجاب در ساخت مساکن و ارزش‌نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های معماری بومی ایرانی - اسلامی است که در اسلام تأکید فراوانی بر آن شده است. حفظ حریمیت در ساخت خانه‌های ایرانی و بومی برگرفته از سنت‌ها، باور و عقاید فرهنگی و تاریخی معماری ایرانی است. جدول شماره 3، نتایج حاصل از میزان رضایت ساکنان از وضعیت حریمیت مسکن را در بافت تاریخی شهر گرگان نشان می‌دهد.

جدول شماره 3. ضریب همبستگی بین میزان رضایت ساکنان از وضعیت حریمت مسکن

تعداد نمونه	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرها
322	0/000**	0/297**	رضایت ساکنان از وضعیت حریمت در مسکن

** معنی‌داری 99 درصد

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، میزان ضریب همبستگی بین رضایت ساکنان از وضعیت حریمت سکونت‌گاه‌های خود 0/297 است که با توجه به سطح معناداری صفر بیانگر رابطه معناداری در سطح 99 درصد اطمینان است. با توجه به مثبت‌بودن میزان ارزشی پیرسون، همبستگی مستقیم و فزاینده است. در واقع هرچه اصول حریمت در ساخت بنا بیشتر رعایت شود، به همان نسبت نیز ساکنان از رضایت بیشتری برخوردار خواهند شد؛ بنابراین با توجه به مقدار آماره به‌دست‌آمده، بین وضعیت حریمت و رضایت ساکنان رابطه معنادار وجود دارد. آشپزخانه‌هایی به دور از چشم مهمان، دیدنداشتن داخل خانه در صورت بازبودن ورودی‌ها، وجود حلقه یا بکوب‌های مخصوص آقایان و خانم‌ها روی درب‌های ورودی برای ایجاد صداهای مختلف برای تشخیص شخص پشت در، جلوگیری از دید افراد غریبه به داخل خانه با ساخت راهروهای پیچ‌درپیچ منتهی به حیاط، وجود فضاهایی برای انتظار از جمله اصول حریمت یا درون‌گرایی معماری ایرانی است که در ساخت خانه‌های واقع در بافت تاریخی شهر گرگان به کار رفته است که همگی ریشه در عقاید و فرهنگ ساکنان این سکونت‌گاه‌ها دارد.

4. امنیت تردد زنان و کودکان در بافت تاریخی

وجود امنیت را از شاخص‌های مهم کیفیت مسکن می‌دانند. در جامعه اسلامی امنیت روانی و امنیت فرهنگی از بارزترین وجوه امنیت انسان هستند. امنیت می‌تواند در سلسله‌مراتبی از فضای خصوصی خانه تا فضای کاملاً عمومی بازار و میدان مطرح باشد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا وضعیت امنیت تردد زنان و کودکان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. جدول شماره 4، نتایج حاصل از بررسی وضعیت متغیر امنیت و رضایت ساکنان را نشان می‌دهد.

جدول شماره 4. ضریب همبستگی بین میزان رضایت ساکنان از وضعیت امنیت زنان و کودکان در محله‌های بافت تاریخی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد نمونه
رضایت ساکنان از وضعیت امنیت زنان و کودکان	0/297**	000/0**	322

** معنی‌داری 99 درصد

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، میزان ضریب همبستگی بین رضایت ساکنان از وضعیت امنیت تردد زنان و کودکان 0/142 است که با توجه به سطح معناداری صفر بیانگر رابطه معناداری در سطح 99 درصد اطمینان همبستگی است. با توجه به مثبت‌بودن میزان ارزشی پیرسون، همبستگی مستقیم و فزاینده است. در واقع هرچه میزان امنیت تردد زنان و کودکان در محله‌های بافت تاریخی بیشتر باشد، میزان رضایت ساکنان نیز بیشتر خواهد بود؛ بنابراین با توجه به مقدار آماره به‌دست‌آمده بین وضعیت امنیت تردد زنان و کودکان و رضایت ساکنان، رابطه معنادار وجود دارد. بافت فرسوده و گاه نایمن بناهای واقع در بافت تاریخی شهر در کنار معابر و کوچه‌های تنگ همراه با روشنایی ضعیف و گاه نبود روشنایی مناسب، وجود مکان‌های دنج با پتانسیل بروز جرم، فقدان دسترسی‌پذیری مناسب از نظر کالبدی، بی‌توجهی به الزام‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان، همراه با نبود حس تعلق در بین ساکنان در این بافت‌ها گاه موجب کاهش تردد و امنیت کودکان و زنان در محله‌هایی با بافت‌های قدیمی و فرسوده می‌شود.

به منظور سنجش و ارزیابی شاخص‌های حس تعلق به مکان، ارتباط با همسایگان، شاخص دسترسی به خدمات و امکانات، شاخص سرزندگی، و وضعیت زیست‌محیطی مسکن، از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول شماره 5 نمایش داده شده است.

جدول شماره 5. نتایج حاصل از آزمون T تک‌نمونه‌ای برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های مؤثر بر میزان رضایت‌مندی ساکنان

متغیر مبنا = 3					معیار
فاصله اطمینان 95 درصد	میانگین	سطح	درجه	آماره	T
حد پایین	اختلاف‌ها	معناداری	آزادی	df	
حد بالا					

متغیر مبنا = 3						معیار
0/9752	0/6104	0/7928	0/000	321	5/030	حس تعلق به مکان
-0/3823	-0/6179	-0/5001	0/000	321	-7/451	دسترسی به خدمات و امکانات
0/8290	0/5038	0/6664	0/000	321	2/431	زیست محیطی
-0/1603	-0/3961	-0/2782	0/000	321	-7/016	سرزندگی
0/4127	0/2815	0/3471	0/000	321	6/743	روابط همسایگی

بر اساس نتایج خروجی آزمون، مقدار آماره آزمون T تک‌نمونه‌ای، متغیر حس تعلق به مکان برابر با 5/030 با درجه آزادی 321، متغیر دسترسی به امکانات و خدمات با مقدار آماره آزمون t برابر با -7/451 با درجه آزادی 321، متغیر زیست محیطی با مقدار آماره آزمون T برابر با 2/431 با درجه آزادی 321، متغیر سرزندگی با مقدار آماره آزمون T برابر -7/016 با درجه آزادی 321 و متغیر روابط همسایگی با مقدار آماره آزمون T برابر 6/743 و درجه آزادی 321 برابر با حجم نمونه منهای عدد یک است. مهم‌ترین قسمت خروجی جدول، سطح معناداری یا p- است که برای تأیید یا عدم تأیید فرضیه موجود به کار می‌رود که در اینجا برابر با 0/000 است. به عبارت دیگر اگر سطح معناداری ما کمتر از 05 درصد باشد، فرضیه صفر رد و رابطه معناداری بین میزان رضایت ساکنان بافت تاریخی با وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات، حس تعلق به مکان، مؤلفه‌های زیست محیطی، سرزندگی و روابط همسایگی وجود دارد و برعکس، اگر سطح معناداری بیشتر از پنج درصد باشد، فرضیه یک رد می‌شود و چنین رابطه‌ای وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از آنجاکه سطح معناداری کمتر از 05 درصد است، می‌توان گفت وجود این مؤلفه‌ها بر میزان رضایت‌مندی ساکنان از کیفیت خانه‌ها و بافت تاریخی تأثیرگذار است.

در مورد مسائل زیست محیطی بافت سکونت‌گاه‌های تاریخی، مسکن‌های بافت تاریخی محدوده مورد مطالعه کاملاً منطبق با شرایط و نیازهای اقلیمی ساکنان طراحی شده است؛ به گونه‌ای که در ساخت، شکل‌گیری و جهت‌گیری بناها، رعایت مسائلی همچون تهویه طبیعی درون بنا با بهره‌گیری از نسیم‌ها، عدم نفوذ کج باران به دیوار خانه‌ها، دفع راحت آب‌های ناشی از باران‌های طولانی مدت توجه ویژه‌ای شده است. وجود دالان‌ها و حیاط‌های متعدد به همراه ایوان برای تهویه بناهای

مسکونی، ساخت پنجره‌ها و درهایی در مقابل هم در راستای وزش باد و نسیم بهار و تابستان، بهره‌گیری از اعتدال نسبی هوا در اوقات شب و روز و تابستان و زمستان، و توجه به پوشش بام‌ها با سبک شیبدار و سفالی از دیگر عوامل معماری همساز با اقلیم در بناهای بافت مسکونی تاریخی شهر گرگان است. به‌حداکثر رساندن کوران درون بناها و افزایش تهویه درون بنا با تعبیه درها و پنجره‌ها از دیگر تمهیدات اقلیمی در ساخت بناهای تاریخی شهر گرگان در راستای رعایت اصول زیست‌محیطی است که متأسفانه در ساخت‌وسازهای مدرن و جدید به فراموشی سپرده شده است.

نتیجه‌گیری

در اسلام تأکید بسیاری بر مسئله مسکن شده است و همواره اندیشه و آموزه‌های اسلام علاوه بر آنکه ویژگی‌های منحصر به فردی را برای مسکن مسلمانان قائل بوده است، آن را مرکز آموزش پاکدامنی و زمینه‌ساز جامعه‌ای عاری از فساد و گناه معرفی می‌کند و مناسب‌ترین سکونت‌گاه برای انسان را مکانی می‌داند که با نیازهای وجودی وی سازگاری داشته باشد و زمینه دستیابی به رشد و تعالی فرد را فراهم آورد؛ در حالی که این عوامل در مسکن معاصر به فراموشی سپرده شده است. بی‌توجهی به مسکن با رویکرد ایرانی - اسلامی سبب زیرپا گذاشتن ارزش‌ها و سنت‌های قدیمی در کالبد و سیمای مسکن شده است تا مردم نیز از فواید و ارزش‌های آن بی‌بهره بمانند. با توجه به اهمیت و نقش مسکن در زندگی مادی و معنوی ساکنان، پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی شاخصه‌ها و ویژگی‌های مسکن بومی بافت تاریخی شهر گرگان براساس دیدگاه سبک معماری ایرانی - اسلامی با توجه به آموزه‌های دین اسلام و دیدگاه قرآن کریم پرداخت که نتایج به‌دست آمده به شرح زیر است:

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون در بررسی شاخص‌های وضعیت اشراف و دیدداشتن سکونت‌گاه‌های تحت تصرف با میزان ضریب $0/357$ ، شاخص آسایش زندگی در سکونت‌گاه‌ها با میزان ضریب $0/483$ ، شاخص محرمیت سکونت‌گاه‌ها با میزان ضریب $0/297$ و شاخص وضعیت امنیت تردد زنان و کودکان با میزان ضریب $0/142$ با سطح معناداری صفر در سطح 99 درصد در ارتباط با وضعیت سکونت ساکنان در خانه‌ها و بافت تاریخی شهر گرگان، بیانگر وجود رابطه معنادار و مستقیم است. نتایج حاصل از آزمون T تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد در سطح 95 درصد بین میزان رضایت‌مندی ساکنان از زندگی در بافت تاریخی با وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات، حس

تعلق به مکان، مؤلفه‌های زیست‌محیطی، متغیر سرزندگی و روابط همسایگی رابطه معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که وجود این متغیرها بر میزان رضایت‌مندی ساکنان از زندگی در خانه‌هایی با الگوی معماری ایرانی - اسلامی و همسو با فرهنگ بومی ساکنان مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار است.

در بررسی نتایج به دست آمده از ارزیابی مسکن‌های واقع در بافت تاریخی شهر گرگان، برخی اصول معماری ایرانی - اسلامی به دست آمد که موجب افزایش رضایت‌مندی ساکنان از زندگی در خانه‌هایی با معماری بومی بوده است؛ از جمله: تأکید بر حریم خصوصی، خلوت‌گزینی، رعایت آسایش فردی، دیدنداشتن درون خانه، استفاده از فضاهای نیمه‌باز مانند ایوان، وجود بخش‌های اندرونی و بیرونی در خانه‌های اعیانی در بافت تاریخی گرگان، چیدمان اتاق‌ها به منظور اشراف‌نداشتن مسکن در بافت تاریخی؛ ساخت آشپزخانه‌هایی به دور از چشم مهمان، پیدانبودن داخل خانه در صورت بازبودن ورودی‌ها، وجود حلقه یا بکوب‌های مخصوص آقایان و خانم‌ها روی درب‌های ورودی، جلوگیری از دید افراد غریبه به داخل خانه با ساخت راهروهای پیچ‌درپیچ منتهی به حیاط، وجود فضاهایی برای انتظار برای حفظ حریمیت یا درون‌گرایی خانه‌های واقع در بافت تاریخی. از سوی دیگر وجود برخی مؤلفه‌ها موجب کاهش رضایت‌مندی ساکنان این بافت‌ها شده است؛ مواردی همچون: وجود معابر و کوچه‌های تنگ همراه با روشنایی ضعیف و ناکافی، مکان‌های دنج با پتانسیل بروز جرم، فقدان دسترسی‌پذیری مناسب از نظر کالبدی، بی‌توجهی به الزام‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان همراه با نبود حس تعلق در میان ساکنان بافت‌ها که گاه موجب کاهش تردد و امنیت کودکان و زنان در محله‌هایی با بافت‌های قدیمی و فرسوده می‌شود.

پیشنهادها

در راستای تحقق به اهداف پژوهش، راهکارهایی در قالب پیشنهادهای پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

1. استفاده از الگوی معماری ایرانی - اسلامی و معیارهای برگرفته و مورد تأیید اسلام در ساخت مسکن؛
2. توجه ویژه به بازسازی و مرمت بناهای تاریخی و جلوگیری از تخریب خانه‌ها توسط مدیران و نهادهای مسئول؛

3. رعایت و به‌کارگیری عناصر و نمادهای هویتی ایرانی - اسلامی در ساخت و طراحی خانه‌ها و محله‌های شهری؛
4. ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی و ساده‌زیستی با پرهیز از تجمل‌گرایی و تقلید از سبک زندگی غربی؛
5. استفاده از معماری و مصالح بومی در ساخت بنا با توجه به شرایط اقلیمی منطقه؛
6. رفع نیازها و مشکلات ساکنان در راستای تشویق اهالی محله به حس ماندگاری در بافت تاریخی.



فهرست منابع

- احمدی، وحید؛ پیله‌چیان، عارفه و طالبی، فریده (1392)، «انطباق طراحی خانه‌های مسکونی متناسب با اقلیم و معماری بومی»، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد.
- اخوت، هانیه (1390)، «بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی براساس آیات قرآن و روایات»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال 3، شماره 2، صص 68-86.
- آریان‌کیا، مصطفی؛ ملکی، سعید (1397)، «سنجش تطابق کالبدی - فضایی سکونت‌گاه‌های شهر گرگان مبتنی بر شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی»، فصلنامه مطالعات عمران شهری، دوره 2، شماره 4.
- اکبری، نعمت‌اله؛ خوش‌اخلاق، رحمان و مردیها، سار (1392)، «سنجش و ارزش‌گذاری عوامل مؤثر بر انتخاب مسکن با استفاده از روش انتخاب تجربی از دیدگاه خانوارهای ساکن در بافت فرسوده شهر اصفهان»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال 13، شماره 3، صص 19-47.
- انصاری، مجتبی؛ خاکپور، مژگان؛ شیخ‌مهدی، علی و طاووسی، محمود (1394)، «ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی مسکن بومی»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 149، صص 3-14.
- ایرانمنش، الهه؛ نصرت‌پور، دریا؛ میرشک‌داغیان، مریم و هادی، مرضیه (1394)، «ارائه شاخص‌های طراحی مسکن بومی با تأکید بر مؤلفه‌های طراحی شهری اقلیمی؛ مورد پژوهشی: شهر کرمان»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره 38، صص 347-370.
- ایرانمنش، لیلی؛ محقق، حمید (1394)، «بررسی ویژگی‌های معماری مسکن سنتی ایران براساس الگوی فرهنگی ایرانی - اسلامی»، همایش ملی جوان و اصالت فرهنگی، آموزش‌شکده فنی‌وحرفه‌ای سما کرمان، پاییز.
- بمانیان، محمدرضا؛ ارجمندی، سحر و علی‌محمدی، فرزانه (1392)، «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن؛ نمونه موردی: سه مورد از خانه‌های ایرانی - اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره 12.
- پوراحمد، احمد؛ زیاری، کرامت‌الله؛ قرخلو، مهدی و وفایی‌فرد، مهدی (1395)، «ارائه الگوی نوسازی بافت تاریخی بیرجند با رویکرد ایرانی - اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، سال 7، شماره 25.
- حسین‌زاده، عباس؛ پویان، امیراحسان؛ سادات‌موسوی‌سروینه‌باغی، الهه (1392)، «هویت، فرهنگ و سنت؛

- الگوی تدوین تعلق فضایی به خانه‌های ایرانی»، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مؤسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، دی‌ماه.
- حیاتی، حامد؛ امین‌پور، احمد؛ مدنی، رامین و دلداده، محمدعلی (1394)، «بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت براساس آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره 40، صص 47-60.
- خسروجردی، نرجس و محمودی، مسعود (1393)، «نشانه‌شناسی صورت و معنا در معماری باغ ایرانی»، نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی، مشهد، آبان.
- خواجه‌جهرمی، گل‌آرا (1392)، «نسبت صورت و کارکرد در معماری ایرانی - اسلامی؛ بررسی دو اثر تاریخی کلیسای وانک و مسجد شیخ‌لطف‌الله»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر مسعود علیا، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر تهران.
- دهداری، مصطفی (1395)، «تحلیل فضایی گونه‌شناسی مسکن شهری؛ مطالعه موردی شهر گرگان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گلستان.
- رضوانی، نوشین؛ بهزادفر، مصطفی و حبیبی، کیومرث (1396)، «ارزیابی بافت‌های تاریخی بر پایه هنجار حس تعلق به مکان؛ نمونه مطالعاتی: محله سرچشمه گرگان»، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال 8، شماره 29، صص 23-42.
- زنگانه، ابوالفضل؛ شمعی، علی و موحد، علی (1391)، «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی؛ مطالعه موردی: شهری»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال 2، شماره 5، صص 37-51.
- سادات، سیده اشرف و ضرغامی، اسماعیل (1395)، «بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی - اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز»، فصلنامه نقش جهان، شماره 6-2.
- سجادیان، مهیار و ملکی، سعید (1395)، «تدقیقی بر ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره 8، شماره 27، بهار.
- سرکن دیزجی، رضا و زمزمی، میرباقر (1394)، «گونه‌شناسی خانه‌های اردبیل با نگاهی به معماری پایدار»، دومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی.
- سمیعی، محمد؛ بهزادی‌پور، حامد و محمدنژاد، محسن (1395)، «گونه‌شناسی خانه‌های بافت تاریخی گرگان»، کنفرانس مهندسی عمران، معماری و مدیریت پایدار شهری، گرگان، تیرماه.
- سیروسی، راضیه و الهی‌زاده، محمدحسن (1393)، «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، فصلنامه سبک زندگی دینی، سال 1، شماره 1، صص 35-70.
- شمس، مجید؛ صفاری‌راد، علی و قاسمی، احمد (1394)، «تأثیرات جهانی‌شدن بر ساختار کالبدی شهرهای اسلامی؛ نمونه موردی: کلان‌شهر اصفهان»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال 5، شماره 17، صص

119-134.

صفاران، الیاس (1389)، بررسی هنرهای اسلامی در دوران معاصر، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
طباطبایی‌ملاذی، فاطمه و پورمند، حسنعلی (1394)، «الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی - اسلامی؛ بررسی موردی: خانه رسولیان یزد»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال 3، شماره 9.

عسگری رابری، اباصلت؛ عباس‌زاده، شهاب و آبرون، علی‌اصغر (1394)، «بررسی عناصر فضایی - کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای دیزباد بالا، فریزی و آیدلیک»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال 4، شماره 4، صص 177-193.

غلامی‌بیم‌غ، یونس (1391)، «تحلیلی بر فضاهاى شهری موجود برای رسیدن به الگوی شهر ایرانی - اسلامی؛ نمونه موردی: شهر اصفهان»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.

فلامکی، محمدمنصور (1371)، شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب»، تهران: نشر فضا.
قنبری، ابوالفضل (1390)، «تحلیلی بر نابرابری‌های مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال 1387»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 136، صص 33-50.

محمدیان‌مصمم، حسن؛ توکلی‌نیا، جمیله؛ ضرغامی، سعید و رستمی، قهرمان (1395)، «تقابل شهر ایرانی - اسلامی با چالش‌های شهری هزاره سوم»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، سال 7، شماره 25.
محیط‌آرا، محمد؛ ملک‌حسینی، عباس و شمس، مجید (1395)، «تحلیلی بر نظم فضایی محله‌های شهرهای اسلامی - ایرانی؛ مورد مطالعه: شهر قم»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره 8، شماره 29.

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان گلستان (1394).
مشکینی، ابوالفضل؛ رضایی‌مقدم، علی (1393)، «بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی - ایرانی»، فصلنامه شهر پایدار، دوره 1، شماره 1، صص 37-68.

منصوری، علی (1389)، «حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی - اسلامی نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره 29، شماره 130، صص 38-49.

مهدوش، محمد؛ سعدوندی، مهدی (1394)، «آسیب‌شناسی شاخص‌سازی مفاهیم اسلامی در معماری اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره 21.

نظیف، حسن (1392)، «پایداری اندام‌های ایرانی در گذر از دوران اسلامی»، فصلنامه هنر و معماری باغ نظر، شماره 24، صص 57-68.

نقی‌زاده، محمد (1392)، «تأملاتی در مبادی شهر اسلامی»، فصلنامه کتاب ماه هنر، سال 4، شماره 178، صص 4-15.

نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، محمد (1379)، قم.

هاشمی، ملیحه؛ میرغلامی، مرتضی (1390)، «بازتاب جنسیت در فضاهاى شهری سنتی ایران در دوره صفویه»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

هدایت، اعظم و طبائیان، سیده مرضیه (1391)، «بررسی عناصر شکل‌دهنده و دلایل وجودی آن‌ها در خانه‌های بافت تاریخی بوشهر»، نشریه شهر و معماری بومی، شماره 3.

یاوری، وحید؛ سعیدی، علی و کشاورزبان، مهدی (1389)، «پیشرفت و عدالت در اندیشه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، مجموعه مقاله‌های مبانی نظری برنامه پنجم توسعه، مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

یزگرد، فاطمه (1390)، «بازآفرینی پایداری با تأکید بر نقش طبیعت در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی»، فصلنامه شهر ایرانی - اسلامی، شماره 5، پاییز 90.

یوسفی‌فر، شهرام؛ محمدی، سید محمدحسین (1388)، «تأثیر مناسبات اجتماعی در شکل‌بندی شهر ایرانی - اسلامی براساس رویکرد نمونه‌وار به شهری در عصر سلجوقی»، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال 1، شماره 1.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی